عبادت را لبس شیت انداخته نام و ناموس را البسبب اجتماع حطام دنیاوی اجتماع
عوام و خواص بر خود ساخته بودند در رد البدع آورده لقلست که رابعه بصری
هفت شبان روز چیزی نخورده بود شب هشتم نفس بادی معاوضه آمد و گفت
ای رابعه مرا هلاک میکنی گفت صبر کن تا هر چه امشب برسد از تو باز ندارم نماز شام
شخصی بیامد و کاسه طعام بیاورد در رابعه کاسه را بنهاد و برفت تا چراغی بیاورد چون
چراغ بیاورد گربه طعام را ریخته و کاسه را شکسته بود چراغ بنهاد خواست تا کوزه آبی
بیاورد چون آب بیاورد چراغ مرده بود خواست در تاریکی آب بخورد کوزه از دستش بیفتاد
و بشکست رابعه نفس گرم از سینه برآورد و گفت خداوندا این ضعیفه را هلاک
میکنی ها تفی آواز داد که ای رابعه اگر خواهی خزائن روی زمین را در جیب تو نهم اما اندوه
خود را از دست تو برگیرم زیرا که اندوه ما و مراد دنیا در یک دل جمع نشود رابعه فریاد
برآورد و گفت خداوندا اگر خزائن روی زمین بمن دهی و کلید بهشت بهشت را بمن
سپاری بیک اندوه که فریاد شوق تو برآرم بدان برابر نکنم ها تفی آواز داد که ای رابعه
چون اندوه ما را قبول و اختیار کردی در بلا صبر کن.

رباعی

اگر شام غم عشق صباحت باشد — خون جگر و دیده مباحت باشد
با هر دو جهان بس مقابل نه کنی — کاندوه و بلای دوست راحت باشد

الیضاً قبیه چنین آورده اند که سالک باد در یک روز قطع کند سالکی بیدرد
به یک ماه قطع کند در هر عصری که یک اندوهگین باشد همه عالم در پناه درد او بگذارند
بزرگی میگوید لمامات الفضیل ذهب الحزن من الارض یکی از صفات
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم آنست که متواتر الحزن و دوام الفکر بودی
وقتی دو کس منازعت میکردند یکی میگفت مَنْ عَرَفَ اللهَ زالَتْ احزانُهُ و
دیگری میگفت مَنْ عَرَفَ اللهَ طالَتْ احزانُهُ انتهی کلامه قال علیه الصلوة والسلام
اقرب الناس الی الله تعالی یوم القیمة من طال احزانه انتهی کلامهما ای عزیز
درد آن باشد که بی بی رابعه بصری و ابراهیم ادهم و فضیل عیاض و غیر ذلک از قدما را
بود اگر ... در تذکرة الاولیاء ... طالبان مولی که دوستان حق تعالی اند همیشه
از ذکر و فکر و اند ... جهان در خود مستغرق اند از و ... یدگر بزرگان اند ... آنکه